

تأثیر مالکیت نهادی بر رابطه بین لحن بدبینانه مدیران و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی

راضیه نوزری

کارشناس خدمات اداری شورا و شهرداری تبریز.
razienezari1356@gmail.com

شماره ۱۱۰ / زمستان ۱۴۰۴ (جلد دوم) / صص ۲۸۲-۲۷۱
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره هشتم)

چکیده

گزارش‌های متنی سالانه شرکت‌ها همواره یکی از مهم‌ترین منابع تصمیم‌گیری بازار سرمایه بوده و ویژگی‌های کیفی این افشاها از جمله لحن مدیران، عامل مهمی جهت مفید بودن چنین اطلاعاتی برای تصمیم‌گیرندگان و حفظ حقوق سهامداران است که همواره از سوی قانون‌گذاران بازار سرمایه مورد تأکید است. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر مالکیت نهادی بر رابطه بین لحن بدبینانه مدیران و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی است. پژوهش حاضر از لحاظ نتایج اجرا کاربردی بوده و از بعد روش شناسی همبستگی و از لحاظ زمان انجام پژوهش از نوع علی (پس رویدادی) می‌باشد. برای محاسبه لحن بدبینانه از روش داویس و تاماسوییت (۲۰۱۲)، استفاده شده است. نمونه پژوهش حاضر شامل ۱۱۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۳ می‌باشد. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون چند متغیره با داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که لحن بدبینانه مدیران بر تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی تأثیر مثبت و معنی داری دارد و مالکیت نهادی این رابطه را تقویت می‌کند.

واژگان کلیدی: مالکیت نهادی، لحن بدبینانه مدیران، تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی.

مقدمه

انتشار به موقع گزارش‌های حسابرسی شده، مربوط بودن و قابلیت اعتماد اطلاعات و آگاهی در خصوص اقدامات شرکت را افزایش می‌دهد (چالو، ۲۰۲۱). تأخیر در صدور گزارش حسابرسی باعث افزایش عدم تقارن اطلاعاتی و ابهام می‌شود (بلانکلی و همکاران، ۲۰۱۴). تأخیرها ممکن است استقلال و پاسخگویی کسب‌وکار را که برای ترغیب سهامداران برای انتخاب سرمایه‌گذاری حیاتی است، به خطر بیندازد. موضوع تأخیر گزارش حسابرسی مربوط به شفافیت شرکتی بوده و معیار خوبی جهت قضاوت در مورد کارایی حسابرسی مستقل است. بهنگام بودن گزارشگری مالی یک جنبه کلیدی در تعریف کیفیت اطلاعات مالی است (احمد و همکاران، ۲۰۲۳). یکی از ویژگی‌های مهم اطلاعات متنی، لحن مدیران است. در حسابداری منظور از لحن، میزان مثبت و یا منفی بودن لغات موجود در متن است که می‌تواند مفهوم ضمنی متن را تحت تأثیر قرار دهد. حساب‌رسان با افزایش تلاش حسابرسی و پذیرش صرف ریسک بیشتر، ریسک پروژه حسابرسی را مدیریت می‌کنند. یکی از راهکارهای مواجهه با ریسک پروژه حسابرسی، افزایش تلاش‌های حسابرسی است که از طریق کاهش ارائه‌های نادرست، ریسک ذاتی و ریسک تجاری حساب‌رسان را کاهش می‌دهد. اطلاعات متنی افشاشده به عنوان یک سرمایه اطلاعاتی برای ارزیابی عملکرد گذشته و چشم انداز آتی شرکت تلقی می‌گردند که مورد توجه و اعتماد تأمین

کنندگان منابع و حتی مدیران شرکت‌های رقیب می‌باشند (فرانسوا و زابوژنیک، ۲۰۰۵). اعتماد مذکور به‌عنوان یک سرمایه اجتماعی قابل توجه در نظر گرفته می‌شود که بر رشد اقتصادی بلندمدت یک کشور تأثیر می‌گذارد (کونادو و همکاران، ۲۰۲۲). سرمایه‌گذاران نهادی، بازیگران اصلی بازارهای مالی هستند. از آنجا که نفوذ آن‌ها در حاکمیت شرکتی در پی سیاست‌های خصوصی سازی پذیرفته شده به‌وسیله کشورهای مختلف افزایش یافته است، می‌توان به این نتیجه رسید که سرمایه‌گذاران نهادی در بسیاری از سامانه‌های حاکمیت شرکتی اهمیت زیادی دارند. مالکیت نهادی به‌عنوان درصد سهام آورده شده به‌وسیله سرمایه‌گذاران حقوقی تعریف می‌شود که نقش با اهمیتی را در راهبری فعالیت‌های مدیران ایفا می‌کند. سهامداران نهادی به آن بخش از سهامداران گفته می‌شود که به دنبال داشتن درصد بالای سهام با حق رأی شرکت؛ توانایی نفوذ، اثرگذاری و نظارت بر سیاست‌های مالی و عملیاتی شرکت را دارند. در سال‌های اخیر توجه به مالکان نهادی به‌عنوان یکی از ساز و کارهای حاکمیت شرکتی افزایش یافته است. لذا این مطالعه به بررسی تأثیر مالکیت نهادی بر رابطه بین لحن بدبینانه مدیران و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

ادبیات تحقیق حسابداری و امور مالی در زمینه بررسی محتوای اطلاعاتی گزارش‌های کیفی و متنی شرکت‌ها از جمله گزارش تفسیری مدیریت با سرعت قابل توجهی در حال گسترش است و مطالعات بسیاری جنبه‌های مختلف این افشاها را کاویده‌اند (لوگرن و مک دونالد، ۲۰۱۱). مطالعات پیشین نشان می‌دهد که لحن مدیریت یک ابزار علامت دهی قابل اعتماد برای انتقال اطلاعات خصوصی در مورد کیفیت و عملکرد آینده یک شرکت است و تحلیلگران به دنبال لحن خوش‌بینانه (بدبینانه) تر پیش‌بینی‌های خود را رو به بالا (پایین) تجدیدنظر می‌کنند (نینگ و همکاران، ۲۰۲۴). همچنین لحن بدبینانه بر گزارشگری مالی متهورانه تأثیر منفی و معناداری دارد و حفاظت از حقوق سهامداران باعث تشدید این تأثیر می‌شود. ویژگی‌های زبان شناختی اطلاعات تهیه شده توسط مدیریت واحد تجاری، می‌تواند موجب تسهیل در نیل به اهداف انتقال واقعیت‌های اقتصادی شود. بر همین اساس در سالیان اخیر این ویژگی‌های همواره مورد توجه پژوهش‌های حوزه حسابداری و مالی رفتاری بوده است. با افزایش حجم توصیف‌های حسابداری، مدیران شرکت‌ها می‌توانند با استفاده از لحن نوشتار یعنی به‌وسیله مدیریت نوشتار، از مزیت این فرصت‌ها برای منحرف کردن ادراک افراد استفاده کنند. اگر چه در شکل صحیح، مدیران می‌توانند از مدیریت نوشتار برای اهداف اطلاع رسانی با توجه به محدودیت‌های ارقام و استانداردهای حسابداری در زمینه انتقال واقعیت‌های اقتصادی استفاده کنند، با این حال نتایج پژوهش‌های گذشته بر روی لحن نوشتار، نشان دهنده استفاده راهبردی مدیران از مدیریت نوشتار باهدف فریب خوانندگان گزارش‌های سالانه و تأثیرگذاری بر ادراک آن‌ها بوده است (هانگ و همکاران، ۲۰۱۴). به عبارت دیگر مدیران با سوءاستفاده از مدیریت نوشتار به دنبال تأثیرگذاری بر ادراک استفاده‌کنندگان از گزارش‌های سالانه در خصوص اطلاعات بنیادی شرکت بوده‌اند. لحن زبان شناختی پیام‌های ارائه شده در گزارش‌های سالیانه مدیریت شرکت با نتایج اقتصادی آن مرتبط است (هانگ و همکاران، ۲۰۱۴؛ یکینی و همکاران، ۲۰۱۶)، در حالی که هدف این اقدام، اثرگذاری بر دیدگاه تحلیلگران و سرمایه‌گذاران است، می‌توان انتظار داشت که لحن گزارش‌های مدیریت بر ارزیابی خطر حسابرسی نیز اثر بگذارد (لوپاتو و همکاران، ۲۰۱۷، یانگ و همکاران، ۲۰۱۸) بنابراین انتظار می‌رود که لحن گزارشگری مالی بر عوامل مؤثر بر ریسک حسابرسی نیز اثرگذار باشد (محمد و همکاران، ۲۰۱۹). به نظر می‌رسد حسابرسی که یک حرفه مستقل و بخشی از سیستم نظارتی سهامداران شمرده می‌شود، وظیفه اعتباردهی به گزارش‌های مالی هیئت مدیره را بر عهده دارد و به کمک آن می‌توان برای ذینفعان ایجاد اطمینان کرد. پژوهش‌های پیشین نشان دادند که میزان کار

حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی به صورت مستقیم با شرکت‌هایی که دارای ریسک بالایی هستند، مرتبط می‌باشد (بل و همکاران، ۲۰۰۸). در جریان حسابرسی، حسابرس خطر تحریف بااهمیت در صورت‌های مالی که شامل خطر ذاتی و خطر کنترل می‌شود را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و میزان فعالیت‌های حسابرسی لازم برای کاهش خطر تحریف بااهمیت تا یک سطح مناسب را مشخص می‌نماید (محمد و همکاران، ۲۰۱۹). هنگامی که خطر تحریف بااهمیت در صورت‌های مالی مشتری توسط حسابرس بالا ارزیابی می‌شود، حسابرس طرح‌هایی جهت افزایش تلاش حسابرسی برای کاهش این خطر، برنامه ریزی می‌کند (فدراسیون بین‌المللی حسابداران، ۲۰۰۹). عقاید و افکار با لحن پیام‌ها در گزارش‌های سالیانه منعکس می‌شود (هانگ و همکاران، ۲۰۱۴، یکینی و همکاران، ۲۰۱۶). پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که بازار سهام به لحن استفاده شده در گزارش‌های مدیریت شرکت واکنش نشان می‌دهد (هنری، ۲۰۰۸)، در حالی که لحن بدبینانه گزارش‌های مالی، واکنش منفی سرمایه‌گذاران را در پی خواهد داشت (فلدمن و همکاران، ۲۰۱۰). همچنین پژوهش‌های پیشین نشان دادند که لحن گزارشگری مالی با نتایج اقتصادی و ریسک تجاری شرکت مرتبط است. برای نمونه، لانگ و همکاران (۲۰۰۰)، دریافتند که لحن خوش‌بینانه در افشائیات شرکت به شکل مثبتی باقیمت سهام مرتبط است. لوقران و مک دونالد (۲۰۱۱)، دریافتند کلماتی که دارای لحن منفی هستند از تأثیرگذاری و قابلیت اتکاء بیشتری نسبت به کلمات مثبت برخوردار می‌باشند. این دیدگاه، در راستای نتایج پژوهش لاو و میلز (۲۰۱۵)، از دیدگاه روان‌شناختی می‌باشد، از آن جهت که انسان‌ها نتایج تمایل دارند تا بیشتر اطلاعات منفی را پردازش کنند به‌جای اینکه اطلاعات مثبت را پردازش کنند. کوتاری و همکاران (۲۰۰۹)، اثبات نمودند که لحن بدبینانه گزارش‌های مدیریت ارشد با میزان ریسک‌های تجاری شرکت، مرتبط است. نتایج پژوهش دیگری نشان می‌دهد که لحن بدبینانه از لحاظ آماری، تأثیر معناداری بر تصمیم‌گیری خوانندگان دارد (گارسیا، ۲۰۱۳). هنری و لئون (۲۰۱۶)، در این رابطه بیان می‌دارند که سرمایه‌گذاران استفاده راهبردی از لحن گزارشگری را توسط مدیریت مدنظر قرار می‌دهند، بنابراین بر لحن بدبینانه بیش از لحن خوش‌بینانه تأکید می‌شود. لحن بدبینانه می‌تواند با تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی مرتبط باشد. لحن غیرعادی یکی از گزارش‌های مهم سالانه در ایران (گزارش فعالیت هیئت مدیره) به‌طور مثبت با تأخیر گزارش حسابرس مرتبط است؛ یعنی حسابرسان برای ارائه گزارش حسابرسی شرکت‌های با لحن غیرعادی تلاش بیشتری می‌کنند. این بدان معناست که حسابرسان با افزایش تلاش‌های حسابرسی، ریسک‌های مرتبط با لحن غیرعادی را درک می‌کنند. وجود لحن غیرعادی در گزارش سالانه، ریسک حسابرسی را افزایش داده و در نتیجه نیاز به تلاش حسابرسی بیشتری دارد که منجر به تأخیر در گزارش حسابرسی می‌شود. همچنین یافته‌ها حاکی از تقویت این رابطه توسط مالکیت نهادی است. با توجه به اینکه حاکمیت شرکتی قوی (هیئت‌مدیره مستقل و مالکیت نهادی) ضمن تقویت کنترل‌های داخلی، نظارت بر مدیریت را افزایش داده و با تقویت کنترل‌های داخلی موجب کاهش گزارش دهی نادرست و بهبود کیفیت گزارشگری مالی و در نهایت کاهش ریسک حسابرسی می‌شود (فرومی و همکاران، ۲۰۲۳).

پیشینه پژوهش‌های خارجی

سانگ و همکاران (۲۰۲۴)، با ترکیب شاخص‌های مالی، شاخص‌های مسئولیت اجتماعی، مدیریتی و متنی الگوی جدیدی برای پیش‌بینی درماندگی مالی ارائه دادند و نشان دادند شاخص‌های متنی مهم‌ترین نقش را در تکمیل شاخص‌های مالی سنتی پیش‌بینی درماندگی مالی ایفا می‌کنند و سیگنال‌های درماندگی مالی آن‌ها در مقایسه با شاخص‌های مدیریت و مسئولیت اجتماعی زودتر ظاهر می‌شوند.

ترن و همکاران (۲۰۲۳)، به بررسی افشای لحن گزارش سالانه، عدم تقارن اطلاعات و عملکرد شرکت در کشور ویتنام پرداختند. نتایج نشان داد لحن گزارش، توانایی برآورد عملکرد واحد تجاری را برای سال آتی دارد. این قابلیت از پیش‌بینی

لحن، زمانی که واحد تجاری در درجه بالایی از عدم تقارن اطلاعاتی باشد، بیشتر خواهد بود. هشام و همکاران (۲۰۲۲)، به بررسی لحن افشای شرحی: مرور و زمینه‌هایی برای تحقیقات آینده پرداختند. بررسی آن‌ها از ۶۴ مطالعه باهدف تجزیه و تحلیل لحن است. در مطالعات قبلی که معیارهای لحن را بر اساس فهرست‌های واژه‌های جایگزین مقایسه می‌کردند، دریافتیم که اندازه‌گیری‌های لحن با استفاده از فرهنگ لغت‌های خاص دامنه بیشتر، قدرتمند نسبت به دیکشنری‌های عمومی هستند، تحقیقات آینده باید از آن بهره‌مند شوند. روش‌های پیشرفته با در نظر گرفتن مکانیسم‌های پردازش زبان طبیعی و معانی به‌جای بسامد کلمات برای دقت بیشتر. دوم، از منظر نظری، مطالعاتی که نظریه‌های روان‌شناختی را به بافت لحن مرتبط می‌کنند، محدود هستند.

مالاکوپاس و جونیور (۲۰۲۱)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین لحن خوش‌بینانه گزارشگری مالی و نوسان بازدهی سهام پرداخته‌اند. نتایج و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که وجود لحن مثبت در گزارشگری مدیران، ضرورتاً به معنی کاهش نوسان بازدهی سهام در دوره بعد نخواهد بود.

باسیونی و عبدالفتاح (۲۰۲۱)، به بررسی قدرت لحن گزارش‌های توضیحی حسابداری در پیش‌بینی آینده شرکت‌های بورسی در کشور انگلستان پرداختند. آن‌ها برای تحلیل متن و محاسبه لحن گزارش‌های مالی از تحلیل کامپیوتری استفاده کردن. مطالعه حاضر با ارائه شواهدی از انگلستان که تحت رویکرد مبتنی بر اصول با انعطاف‌پذیری بیشتری در گزارشگری مالی نسبت به زمینه ایالات متحده که از رویکرد مبتنی بر قوانین پیروی می‌کند عمل کرد و نشان داد که با استفاده از قدرت لحن گزارش‌های متنی می‌توان عملکرد آینده شرکت را پیش‌بینی کرد.

آیونینگ و هاریمائوان (۲۰۲۱)، به بررسی لحن منفی و خوانایی در بحث مدیریت و گزارش‌های تجزیه و تحلیل: تأثیر بر هزینه بدهی پرداختند. این مطالعه ارتباط بین استراتژی افشای متنی شرکت و هزینه بدهی را با نگاه به لحن و خوانایی گزارش‌های بحث و تحلیل مدیریت و با استفاده از نمونه‌ای از ۱۵۹۶ شرکت فهرست شده اندونزیایی از همه صنایع به جز صنعت مالی، از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸ بررسی کرد و با استفاده از رگرسیون حداقل مربع معمولی برای آزمایش فرضیه‌های تحقیق استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که هر دو لحن منفی و سطح خوانایی ضعیف با هزینه بدهی ارتباط مثبت دارند.

پیشینه پژوهش‌های داخلی

پوریوسف و ثقفی (۱۴۰۴)، به بررسی مکعب تقلب و لحن غیرعادی مدیران پرداختند. از یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که معیارهای تقلب، شامل انگیزه برای تقلب، فرصت برای تقلب، توجیه تقلب و قابلیت‌های فردی، می‌توانند دلایل لحن غیرعادی مدیران باشند؛ زیرا مدیران متقلب برای سرپوش نهادن بر تقلب در گزارش‌های کیفی، لحن بیش از حد مثبتی انتخاب می‌کنند که به لحن غیرعادی منجر می‌شود.

منصوری و همکاران (۱۴۰۳)، به بررسی لحن گزارش مدیریت و سرعت تعدیل اهرم پرداختند. شواهد حاکی از آن است که استفاده بیشتر از لحن مثبت در متن گزارش‌های مدیریت از دو جهت منجر به افزایش سرعت تعدیل اهرم می‌شود؛ اولین مورد این است که با تسهیل درک استفاده‌کنندگان از وضعیت جاری و آتی عملکرد واحد تجاری، منجر به کاهش ریسک اطلاعاتی و در نتیجه کاهش هزینه تعدیل می‌شود؛ در مورد دوم این است که سرمایه‌گذاران نسبت به آینده واحد تجاری مطمئن‌تر خواهند شد و این امر منجر به کاهش محدودیت مالی و ایجاد انگیزه در تعدیل اهرم مالی واحد تجاری می‌شود.

صفرنژاد بروجنی و همکاران (۱۴۰۲)، به بررسی تأثیر لحن گزارشگری مالی بر بازده سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. به منظور بررسی تجربی این موضوع، پژوهش حاضر از روش شناسی تحلیل متنی و اطلاعات ۹۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ استفاده می‌نماید. نتایج

پژوهش نشان می‌دهد که لحن گزارشگری مالی بر بازده سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر منفی و معناداری دارد. این پژوهش، ضمن آنکه پژوهش‌های حوزه اطلاعات کیفی را توسعه می‌دهد، دانش موجود در حوزه زیر بخش‌های نوظهور؛ یعنی لحن گزارشگری را عمق می‌بخشد.

ثقفی و همکاران (۱۴۰۱)، به بررسی کیفیت گزارشگری مالی، مدیریت لحن گزارش‌های سالانه و حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی در محیط بازار سرمایه ایران پرداختند. نتایج این پژوهش مطابق با دیدگاه فرصت‌طلبانه و تئوری‌های نمایندگی بوده و بیان می‌دارد که کیفیت پایین گزارشگری مالی انگیزه مدیران را برای استفاده از لحن مثبت در گزارش‌های سالانه افزایش می‌دهد. از طرفی لحن گزارش‌های توضیحی می‌تواند بر حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسان تأثیر داشته و نقشی میانجی بر ارتباط بین کیفیت گزارشگری مالی و حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی ایفا نماید و در نهایت نتایج بیان داشتند که مدیران نمی‌توانند از حق‌الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی به‌عنوان ابزاری در جهت پوشش کیفیت پایین گزارشگری مالی استفاده نمایند.

عرب و همکاران (۱۴۰۰)، به بررسی تجربی نظریه‌های همسویی و سنگربندی در تبیین تأثیر مالکیت خانوادگی در رابطه بین لحن خوش‌بینانه گزارشگری مالی و حق‌الزحمه حسابرسی پرداختند. نتایج حاصل از آزمون‌های آماری پژوهش نشان می‌دهد که لحن خوش‌بینانه گزارشگری مالی منجر به کاهش میزان حق‌الزحمه حسابرسی می‌گردد. علاوه بر این، نتایج نشان داد، مطابق با نظریه همسویی مالکیت خانوادگی رابطه بین لحن خوش‌بینانه گزارشگری مالی و حق‌الزحمه حسابرسی را تعدیل و تشدید می‌نماید.

نعمتی و همکاران (۱۴۰۰)، به بررسی عوامل مؤثر بر تأخیر گزارش حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان داد که بین اندازه شرکت، اندازه موسسه حسابرسی، دوره تصدی و حق‌الزحمه حسابرسی با تأخیر در گزارش حسابرسی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد همچنین بین دوگانگی وظیفه مدیر عامل، مالکیت سهامداران نهادی، تمرکز مالکیت، وجود کمیته حسابرسی و ضعف کنترل داخلی با تأخیر گزارش حسابرسی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر از منظر نتیجه اجرا، از نوع کاربردی، از منظر فرآیند اجرا (یا نوع داده‌ها)، از نوع تحلیل محتوای کمی است. در تحلیل محتوای کمی، بیشتر به‌ظاهر متن و شمارش کلمات یا جملات خاصی اکتفا می‌شود. تحلیل محتوا عبارت است از تحلیل گفتار، نوشتار، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، فیلم، تصاویر، نحوه ادای کلمات، لحن به‌کاررفته در کلام، خطابه‌ها، اعلامیه‌های سیاسی و نظیر این‌ها (دیانتی دیلمی، ۱۳۹۷). از منظر منطق اجرا (یا نوع استدلال)، از نوع قیاسی-استقرایی، از منظر بعد زمانی طولی و از نوع گذشته‌نگر (پس‌رویدادی)، از نظر هدف اجرا، یک پژوهش تحلیلی (به روش همبستگی) می‌باشد (بنی‌مهد و همکاران، ۱۳۹۵).

فرضیه‌های پژوهش

- ✓ فرضیه اول: بین لحن بدبینانه مدیران و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی رابطه وجود دارد.
- ✓ فرضیه دوم: مالکیت نهادی رابطه بین لحن بدبینانه مدیران و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی را تعدیل می‌کند.

مدل‌های پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل‌های رگرسیونی زیر استفاده شده است:

- ❖ $Arl_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Pes - Tone_{it} + \alpha_2 Size_{it} + \alpha_3 Lev_{it} + \varepsilon_{it}$
- ❖ $Arl_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Pes - Tone_{it} + \alpha_2 InsOwn_{it} + \alpha_3 (Pes - Tone_{it} \times InsOwn_{it}) +$

$$\alpha_4 \text{Size}_{it} + \alpha_5 \text{Lev}_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

Arl_{it} : تأخیر گزارش حسابرسی، Pes-Tone_{it} : لحن بدبینانه، Size_{it} : اندازه شرکت، Lev_{it} : اهرم مالی، InsOwn_{it} : مالکیت نهادی.

متغیر وابسته

متغیر وابسته پژوهش، تأخیر گزارش حسابرسی می‌باشد. برای اندازه‌گیری تأخیر گزارش حسابرس، از لگاریتم طبیعی فاصله بین تعداد روزهای پایان سال مالی و ارائه صورت‌های مالی حسابرسی شده استفاده شد.

متغیر مستقل

متغیر مستقل در این پژوهش، لحن بدبینانه گزارشگری مالی است. لحن متغیری است که شاخصی برای زبان گزارشگری مالی در گزارش سالانه هیات مدیره می‌باشد. در پژوهش حاضر از گزارش سالانه هیات مدیره درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت به مجمع عمومی صاحبان سهام به‌عنوان مجرای ارتباطی مدیریت با سهامداران استفاده خواهد شد. این گزارش از جنبه‌های مختلف از جمله اختیارات مدیریت در زمینه تهیه و تنظیم شکلی و محتوایی، تا حد زیادی شبیه به نامه سالانه مدیر ارشد اجرایی به سهامداران است. طبق ماده ۲۳۲ قانون تجارت، هیات مدیره شرکت باید پس از انقضای سال مالی، گزارشی درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت تنظیم و به مجمع عمومی عادی سالانه ارائه دهد. همچنین بر اساس بند ۳ ماده ۴۵ قانون بازار اوراق بهادار، شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار، مکلف به ارائه آن طبق دستورالعمل اجرایی سازمان، می‌باشند (رهنمای رودپشتی و محسنی، ۱۳۹۷).

با توجه به الزامات قانونی فوق و نظر به فقدان یک ساختار مشخص برای گزارش فعالیت و وضع عمومی شرکت و نیز پراکندگی زیاد در محتوا و نوع اطلاعات منتشره در این گزارش‌ها، سازمان بورس و اوراق بهادار در چارچوب وظایف و اختیارات خود و به منظور تأمین نیازهای اطلاعاتی سرمایه‌گذاران، تدوین گزارش نمونه "فعالیت و وضع عمومی شرکت را در دستور کار خود قرار داد. با این حال، این نمونه گزارش که به‌عنوان یک الگو در اختیار شرکت‌ها قرار گرفت، نتوانست چارچوبی ساختار یافته و با درجه استانداردسازی بالا فراهم آورد. از این رو آزادی عمل و اختیارات زیادی به مدیریت داده شده و مدیر می‌تواند ضمن عمل به توصیه‌های مطروحه در گزارش نمونه، شکل و محتوای گزارش را تغییر دهد. تحلیل‌ها با فهرستی از واژه‌های موجود ساخته شده جهت تجزیه تحلیل متن و محتوا انجام خواهد شد. این فهرست از واژه‌ها مبتنی بر نظریه زبانی می‌باشد که در پژوهش‌های دانشگاهی در زمینه‌های کاربردی به‌طور گسترده‌تر استفاده می‌شود (داویس، پیگر، سدور، ۲۰۰۸).

سه فهرست از واژه‌ها به‌عنوان "لحن بدبینانه"، به شرح زیر طبقه‌بندی شده‌اند:

۱- "سرزنش" (اصطلاحاتی که مشخص کننده عدم تناسب اجتماعی و شر هستند. صفاتی که توصیف‌کننده موقعیت‌های ناگوار و نوسانات غیرمنتظره می‌باشند که شامل سیاه‌نمایی‌های آشکار نیز می‌شود. مانند: مشکل دار (ایراد)، آینده تاریک، بد، بی‌دقتی، گران، سخت (پیچیده)، دشمن، بی‌ثبات (ناپایدار)، ناراحت کننده).

۲- "سختی" (شامل بلایای طبیعی، اقدامات خصمانه و رفتارهای انسانی توییحی و سرزنش بار است و همچنین شامل نتایج ناخوشایند سیاسی و همین‌طور ترس طبیعی انسان و عدم صلاحیت نیروی انسانی می‌باشد، مانند: سوء استفاده، هشدار، نبرد، تضاد (عدم همخوانی)، افسرده، ناامید کننده، دلسرد، ورشکسته شدن، ترس، سختی، مشکل، پشیمانی (ناامیدی)، تنزل، تهدید، متأسفانه، ضعف (نقص)).

۳- "انکار" (واژه‌هایی با کارکرد منفی و واژه‌هایی که مشخص کننده مجموعه‌های تهی (پوچ) می‌باشند، مانند: نیستند، نمی‌توان، انجام نداد، نباید، انجام ندادن، نه، هیچ (صفر)).

سه فهرست از واژه‌ها به‌عنوان "لحن خوش‌بینانه"، به شرح زیر طبقه بندی شده‌اند:

۱- "با ارزش" (تائید برخی از افراد، گروه‌ها و یا نهاد انتزاعی، که شامل واژه‌های مجزا کننده کیفیت‌های اجتماعی، کیفیت فیزیکی، کیفیت فکری، کیفیت کارآفرینی و کیفیت اخلاقی مهم می‌باشد. همه اصطلاحات در این فرهنگ لغت، صفت هستند، مانند: بهترین، بهتر، توانا، مطلوب، خوب، عالی، مهم، مثبت، سودآور، قوی، موفق).

۲- "رضایت‌مندی" (واژه‌های مرتبط با حالت‌های مثبت اثر بخش (عاطفی)، با لحظه‌های لذت‌آور و تفریحات لذت‌بخش یا با واژه‌های مرتبط با موفقیت، تمامی واژه‌ها در حیطه پرورشی هستند، مانند: تحسین، جشن گرفتن، راحت، اعتماد به نفس، خوشحال، لذت بردن، شور و شوق، هیجان‌زده، خوشحال، راضی).

۳- "فکر خوب" (فضائلی که شایسته احترام جهانی هستند، بیشتر اصطلاحاتی هستند که مجزا کننده کیفیت‌های اخلاقی مطلوب و همین‌طور خصوصیت‌های شخصی مؤثر. ایده آل‌های اجتماعی و سیاسی نیز شامل این واژه‌ها هستند، مانند: تعهد، فداکاری، بهبود، وفاداری، بهره‌وری، پیشرفت، کیفیت).

لازم به ذکر است که این دو دسته از واژه‌ها به‌عنوان ملاک تشخیص لحن خوش‌بینانه و بدبینانه مورد استفاده قرار گرفت.

طبق روش فلدمن و همکاران (۲۰۱۰)، داویس و تاماسوییت (۲۰۱۲)، در گزارش‌های توضیحی حسابداری، هرگاه نسبت واژه‌های بدبینانه بر تعداد کل واژه‌ها، بیشتر از نسبت واژه‌های خوش‌بینانه بر کل واژه‌ها باشد لحن گزارش، بدبینانه خواهد بود و برعکس.

متغیر تعدیل‌گر

مالکیت نهادی به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر این پژوهش می‌باشد. مجموع سهام شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های بازنشستگی، بنیادها، نهادها و سازمان‌های دولتی، به دلیل اینکه از افق دید بلند مدت برخوردارند به‌عنوان سهامداران نهادی در نظر گرفته شده است.

مالکیت نهادی^۱ برابر است با درصد سهام در اختیار مالکان نهادی شرکت i طی دوره نمونه که از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$\text{مالکیت نهادی} = \frac{\text{تعداد سهام تحت تملک سهامداران نهادی}}{\text{تعداد کل سهام منتشر شده شرکت}}$$

متغیرهای کنترلی

✓ اندازه شرکت: برابر است با لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت در پایان سال.

✓ اهرم مالی: نسبت کل بدهی‌ها بر کل دارایی‌ها.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۳ می‌باشد. برای انتخاب نمونه روش حذف سیستماتیک انتخاب شده و شرایط زیر لحاظ شده است:

¹ Institutional ownership

۱. سال مالی منتهی به پایان اسفند ماه بوده و در دوره مورد بررسی تغییری در آن ایجاد نشده باشد.
۲. اطلاعات مورد نیاز برای انجام پژوهش در طی دوره زمانی به طور کامل ارائه شده باشد.
۳. قبل از سال ۱۳۹۶ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
۴. جزو شرکتهای سرمایه‌گذاری (هلدینگ) و واسطه‌گری مالی، بانک‌ها و بیمه نباشند.
۵. دارای وقفه معاملاتی بیش از سه ماه نباشند.

جدول (۱): مراحل و نحوه انتخاب شرکتهای نمونه

تعداد شرکت	شرح
۵۱۲	تعداد کل شرکتهای عضو بورس اوراق بهادار تا پایان سال ۱۴۰۳
۹۶	شرکتهای سرمایه‌گذاری، بیمه، بانک‌ها و واسطه‌گری‌های مالی و مؤسسات تأمین مالی
۶۷	شرکتهایی که در طی دوره مورد بررسی (۱۳۹۶-۱۴۰۳) تغییر سال مالی داده‌اند.
۸۹	شرکتهایی که سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه نیست.
۷۸	شرکتهایی که دارای وقفه معاملاتی بیش از سه ماه باشند.
۶۳	شرکتهایی که اطلاعات آنها قابل دسترس نبود.
(۳۹۳)	تعداد کل شرکتهایی که حذف شدند.
۱۱۹	نمونه آماری

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

آماره‌های توصیفی پژوهش که شمایی کلی از وضعیت داده‌های پژوهش ارائه می‌کنند، در جداول ۲ و ۳ ارائه شده است. نتایج ارائه شده در جدول ۲ آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای کمی پژوهش می‌باشد:

جدول (۲): آمار توصیفی متغیرهای کمی پژوهش

کمیته	بیشینه	انحراف معیار	میانه	میانگین	آماره متغیر
۳/۳۰۱	۴/۶۴۱	۰/۲۹۶	۴/۲۰۸	۴/۰۷۲	تأخیر گزارش حسابرس
۰/۰۸۸	۱/۵۱۳	۰/۱۹۲	۰/۶۲۷	۰/۶۱۹	اهرم مالی
۱۰/۹۷۶	۲۰/۲۳۴	۱/۱۹۰	۱۴/۱۹۵	۱۴/۰۱۷	اندازه شرکت

با توجه به جدول ۲، میانگین که اصلی‌ترین شاخص مرکزی و نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است، شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است. برای مثال مقدار میانگین برای متغیرهای کنترلی اهرم مالی و اندازه شرکت به ترتیب برابر ۰/۶۱۹، ۱۴/۰۱۷ است.

جدول ۳ فراوانی متغیر لحن بدبینانه را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که ۱۱/۵۵ درصد شرکت‌ها دارای گزارش‌های مالی با لحن بدبینانه و ۸۸/۴۵ درصد شرکت‌ها فاقد گزارش‌های مالی با لحن بدبینانه هستند.

جدول (۳): توزیع فراوانی متغیر لحن بدبینانه

درصد	درصد هر طبقه	فراوانی هر طبقه	کد	مقادیر متغیر
۱۱/۵۵	۱۱/۵۵	۱۱۰	۱	شرکتهای دارای لحن بدبینانه
٪۱۰۰	۸۸/۴۵	۸۴۲	۰	شرکتهای فاقد لحن بدبینانه
	٪۱۰۰	۹۵۲		کل

نتایج آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول: بین لحن بدبینانه مدیران و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی رابطه وجود دارد. همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، مقدار ضریب تعیین برابر ۰/۴۲۳ و ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۳۹۱ می‌باشد به این معنی است که قدرت توضیح دهنده‌گی و برازش مدل در سطح نسبتاً خوبی قرار دارد. آماره دوربین واتسون برابر ۱/۸۹۴ می‌باشد و از آنجایی که بازه ۱/۵ تا ۲/۵ نشان دهنده عدم وجود خود همبستگی از مرتبه اول می‌باشد، در نتیجه خودهمبستگی از مرتبه اول در جزء خطای مدل وجود ندارد. در نهایت مقدار آماره F برابر ۴/۳۷۵ و مقدار احتمال آن نیز ۰/۰۰۰ می‌باشد و از آنجایی که مقدار احتمال آن کمتر از ۰/۰۵ است لذا معنی داری مدل تأیید می‌شود. طبق نتایج جدول ۴ مشاهده می‌شود که متغیر لحن بدبینانه دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است از این رو می‌توان گفت بین لحن بدبینانه مدیران و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارتی با افزایش لحن بدبینانه مدیران، تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی افزایش می‌یابد و فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

جدول (۴): تخمین نهایی مدل رگرسیونی اول (متغیر وابسته - تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی)

Arlit = $\alpha_0 + \alpha_1$ Pes-Toneit + α_2 Sizeit + α_3 Levit + ϵ_{it}				
متغیرها	ضرایب	آماره t	سطح معناداری	
C	-۲.۲۰۵	۱۲.۰۳۴	۰.۰۰۳۲	عرض از مبدأ
Pes-Tone	۱.۶۳۱	۹.۸۵۲	۰.۰۰۰۱	لحن بدبینانه
SIZE	۰.۰۳۴	۷.۲۳۶	۰.۰۰۱۲	اندازه شرکت
Lev	۰.۰۰۹	-۸.۱۱۷	۰.۰۰۸۶	اهرم مالی
ضریب تعیین R2 ۰/۴۲۳			دوربین - واتسون (D-W) ۱/۸۹۴	
ضریب تعیین تعدیل شده (Adj.R2) ۰/۳۹۱			آماره F ۴/۳۷۵ سطح معنی داری (۰/۰۰۰)	

فرضیه دوم: مالکیت نهادی رابطه بین لحن بدبینانه مدیران و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی را تعدیل می‌کند. با توجه به نتایج جدول ۵ و با توجه به آماره F به دست آمده (۱۵/۸۷۹) و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰) می‌توان ادعا کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، در مجموع الگوی پژوهش در مورد مدل فرضیه دوم از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین، با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده به دست آمده برای الگو که برابر ۰/۳۸ است، می‌توان گفت، مجموع متغیر مستقل و کنترلی پژوهش ۳۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند و نیز با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون که برابر ۱/۹۱۴ است و در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، می‌توان ادعا کرد که خودهمبستگی مرتبه اول میان باقی مانده‌های مدل وجود ندارد. هدف فرضیه دوم پژوهش پاسخ به این سؤال است که آیا مالکیت نهادی رابطه بین لحن بدبینانه مدیران و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی را تعدیل می‌کند؟ طبق نتایج ارائه شده در جدول ۵ سطح معناداری آماره t، برای متغیر مالکیت نهادی به‌عنوان تعدیل کننده رابطه بین لحن بدبینانه مدیران و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی (۰/۰۱۱۵۴) و با توجه به ضریب مثبت (۲.۵۷۱)، حاکی از آن است که مالکیت نهادی اثری مثبت و معنادار بر رابطه بین لحن بدبینانه مدیران و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی دارد، بنابراین فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود. در واقع مالکیت نهادی موجب تقویت ارتباط بین لحن بدبینانه مدیران و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی می‌شود.

جدول (۵): تخمین نهایی مدل رگرسیونی دوم (متغیر وابسته - تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی)

InsOwnit + α_3 (Pes-Toneit \times InsOwnit) + Arlit = $\alpha_0 + \alpha_1$ Pes-Toneit + α_2 α_4 Sizeit + α_5 Levit + ϵ_{it}				
متغیرها	ضرایب	آماره t	سطح معناداری	

۰.۰۰۲۷	۱۱.۵۱۴	-۲.۱۴۷	C	عرض از مبدأ
۰.۰۰۰۳	۹.۲۴۸	۱.۵۰۱	Pes-Tone	لحن بدبینانه
۰.۰۰۳۴۱	-۵.۵۸۷	۶.۷۴۵	IO	مالکیت نهادی
۰.۰۱۱۵۴	۶.۴۶۷	۲.۵۷۱	Pes-IO×Tone	مالکیت نهادی* لحن بدبینانه
۰.۰۰۰۵	۷.۱۸۶	۰.۰۲۸	SIZE	اندازه شرکت
۰.۰۰۷۷	-۸.۰۰۵	۰.۰۱۳	Lev	اهرم مالی
دوربین - واتسون (D-W) ۱/۹۱۴			ضریب تعیین R2 ۰/۴۱۵	
آماره F ۱۵/۸۷۹			ضریب تعیین تعدیل شده (Adj.R2) ۰/۳۸۲	
سطح معنی داری (۰/۰۰۰)				

بحث و نتیجه گیری

در چند سال اخیر طیف جدیدی از پژوهش‌های حسابداری در حال شکل‌گیری و توسعه هستند که به ارزیابی تکنیک‌ها و رویکردهای زبان‌شناختی و نحوه استفاده از آن‌ها در گزارش‌های توضیحی حسابداری همچون گزارش فعالیت هیئت مدیره پرداخته‌اند. این بدنه جدید از پژوهش‌های حسابداری، در واقع نوعی دیگر از توجه به حسابداری به‌عنوان یک زبان با تأکید بر اطلاعات غیر عددی و توضیحی آن است (رهنمای رودپشتی و همکاران، ۱۳۹۱). در گزارش‌های توضیحی حسابداری همیشه انتخاب‌های زیادی وجود دارد که این انتخاب‌ها توسط مدیران صورت می‌گیرد و در آن‌ها می‌توان شاهد درجاتی از اختیار در رابطه با محتوای گزارش و حتی شکل آن بود. انتخاب‌ها ممکن است اختیاری یا غیر اختیاری باشد و حتی می‌توان این اختیار در انتخاب‌ها را در لحن و نحوه بیان و نوشتار مدیران نیز مشاهده کرد. به این مفهوم که نوع نوشتار آن‌ها در گزارش‌های مالی و لحن آن‌ها در جلسات در هنگام ارائه گزارش می‌تواند باعث ایجاد تغییر در برداشت استفاده‌کنندگان شود. مدیران شرکت‌ها در تلاش برای ارائه اطلاعات در مورد عملکرد آتی شرکت، مجموعه‌ای از اطلاعات کمی و کیفی را منتشر می‌نمایند. همچنین، این امر می‌تواند استدلالی در خصوص انتظار مدیران از بحث در مورد تغییرات در گزارش سالانه کنونی در مورد آمار و ارقام مهم مالی و حسابداری نسبت به سال‌های گذشته باشد. براساس نتایج آزمون فرضیه اول، بین لحن بدبینانه مدیران و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارتی با افزایش لحن بدبینانه مدیران، تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی افزایش می‌یابد. تجزیه و تحلیل‌های بیشتر نشان می‌دهد که لحن بدبینانه سال گذشته نیز اثر مستقیمی بر تأخیر گزارش حسابرسی دارد. از طرفی براساس نتایج آزمون فرضیه دوم، مالکیت نهادی به‌عنوان یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی رابطه بین لحن بدبینانه مدیران و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی را تقویت می‌کند. با توجه به اینکه تأثیر لحن بدبینانه بر حق تأخیر گزارش حسابرسی تأیید شده است. به مدیران حسابرسی توصیه می‌گردد در خصوص محاسبه ریسک حسابرسی و تعیین دامنه رسیدگی به لحن به کار رفته در گزارش‌های سالانه هیئت مدیره به مجمع عمومی سهامداران، توجه داشته باشند. از این رو به مدیران حسابرسی توصیه می‌گردد مخصوصاً در حسابرسی‌های اولیه (سال اول) برای محاسبه ریسک حسابرسی و تعیین دامنه رسیدگی به لحن به کار رفته در گزارش‌های سالانه هیئت مدیره به مجمع عمومی سهامداران، توجه داشته باشند. در نهایت، بر اساس یافته‌های پژوهش، مدیران شرکت‌ها در صورت توجه به نتایج مذکور می‌توانند حتی‌الامکان با اجتناب از مدیریت لحن در افشاهای متنی، ضمن گزارشگری مالی به‌موقع، مانع از افزایش هزینه‌های حسابرسی ناشی از افزایش ریسک حسابرسی شوند. به قانون‌گذاران و استانداردهاگذاران نیز پیشنهاد می‌شود ضمن اجرای سیاست‌ها و الزاماتی برای گزارش‌های متنی سالانه از جمله گزارش فعالیت هیئت مدیره جهت حصول اطمینان از ارائه به‌موقع اطلاعات و کاهش

مشکلات عدم تقارن اطلاعاتی، چارچوب‌های نظارتی و حاکمیت شرکتی را به منظور به حداقل رساندن تأخیر گزارشگری مورد بازنگری قرار دهند.

منابع

- ✓ بنی مهد، بهمن، عربی، مهدی، حسن‌پور، شیوا، (۱۳۹۵)، پژوهش‌های تجربی و روش‌شناسی در حسابداری، تهران: انتشارات ترمه، صص ۱۲-۲۴.
- ✓ پوریوسف، اعظم، ثقفی، مهدی، (۱۴۰۴)، مکعب قلب و لحن غیرعادی مدیران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۳۲، شماره ۳، صص ۵۰۸-۵۳۴.
- ✓ دیانتی دیلمی، زهرا، (۱۳۹۷)، روش تحقیق کیفی و کمی در حسابداری همراه با نرم افزار SPSS، تهران: انتشارات عدالت نوین، صص ۱۲۹.
- ✓ رهنمای رودپشتی، فریدون، نیکومرام، هاشم، نونهال نهر، علی‌اکبر، (۱۳۹۱)، ارزیابی تأثیر رویکردهای قضاوتی و شناختی زبان در گزارش‌های توضیحی حسابداری، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۲، صص ۴۷-۷۲.
- ✓ رهنمای رودپشتی، فریدون، محسنی، عبدالرضا، (۱۳۹۷)، مدیریت، مدیریت نوشتار و مدیریت سود، پژوهش‌های تجربی حسابداری، شماره ۳۰، صص ۲۱-۵۱.
- ✓ صفرنژادبروجنی، امین، چهارمحالی، علی‌اکبر، پیک فلک، جمشید، ربیعی، محمد، (۱۴۰۲)، تأثیر لحن گزارشگری مالی بر بازده سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۱۲، شماره ۲، صص ۴۲۹-۴۴۰.
- ✓ عرب، روح اله، پناهی، شیرین، صوفی، کثوم، غلامرضا پور، محمد، (۱۴۰۰)، بررسی تجربی نظریه‌های همسویی و سنگرندی در تبیین تأثیر مالکیت خانوادگی در رابطه بین لحن خوش‌بینانه گزارشگری مالی و حق‌الزحمه حسابرسی، فصلنامه تحلیل بازار سرمایه، دوره ۱، شماره ۳، صص ۲۵-۴۸.
- ✓ منصور، کفسان، افلاطونی، عباس، زلفی، حسن، (۱۴۰۳)، لحن گزارش مدیریت و سرعت تعدیل اهرم، دانش حسابداری، دوره ۱۵، شماره ۱، صص ۸۳-۱۰۱.
- ✓ Ahmed, H. M. S., El-Halaby, S., & Albitar, K. (2023). Board governance and audit report lag in the light of big data adoption: the case of Egypt. *International Journal of Accounting & Information Management*, 31(1), 148-169.
- ✓ Ayuningtyas, E., & Harymawan, I. (2021). Negative tone and readability in management discussion and analysis reports: Impact on the cost of debt. *Jurnal Manajemen Teori dan Terapan*, 14(2), 129-146.
- ✓ Bassyouny, H.; Abdelfattah, T. (2020) Tao, L. Beyond narrative disclosure tone: The upper echelons theory perspective. *International Review of Financial Analysis*, 70, 101499.
- ✓ Blankley, A. I., Hurtt, D. N., & MacGregor, J. E. (2014). The relationship between audit report lags and future restatements. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 33(2), 27-57.
- ✓ Chalu, H. (2021). Board characteristics, auditing characteristics and audit report lag in African Central Banks. *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 11(4), 578-609.
- ✓ Davis, A., and Tama-Sweet, I. (2012). Managers' Use of Language across Alternative Disclosure Outlets: Earnings Press Releases versus MD&A. *Contemporary Accounting Research*, 29(3): 804-837.
- ✓ Farumi, L., Wahyudi, T., & Khamisah, N. (2023). Influence of audit committee, auditor industry specialization, and audit tenure on audit report lag. *Business Management Analysis Journal*, 6(1), 58-77.

- ✓ Feldman, R., Govindaraj, S., Livnat, J., and Segal, B. (2010). Managements Tone Change: ost Earnings Announcement Drift and Accruals. *Review of Accounting Studies*, 15(4): 915-953.
- ✓ Francois, P., & Zabochnik, J. (2005). Trust, social capital, and economic development. *Journal of the European Economic Association*, 3(1), 51-94.
- ✓ Garcia-Sanchez, I. M., Martinez-Ferrero, J., & Garcia-Meca, E. (2017). Gender diversity, financial expertise and its effects on accounting quality. *Management Decision*, 55, 347-382.
- ✓ Henry, E. (2008). Are investors influenced by how earnings press releases are written? *Journal of Business Communication*, 45 (4): 363–407.
- ✓ Henry, E., & Leone, A. J. (2016). Measuring qualitative information in capital markets research: Comparison of alternative methodologies to measure disclosure tone. *The Accounting Review*, 91(1), 153-178.
- ✓ Hesham Bassyouny, Tarek Abdelfattah, Lei Tao (2022). Narrative disclosure tone: A review and areas for future research, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, Volume 49, 1-17.
- ✓ Huang, X., Teoh, S. H., & Zhang, Y. (2014). Tone management. *The Accounting Review*, 89(3), 1083-1113.
- ✓ Konadu, R., Ahinful, G. S., Boakye, D. J., & Elbardan, H. (2022). Board gender diversity, environmental innovation and corporate carbon emissions. *Technological Forecasting and Social Change*, 174, 121279.
- ✓ Lang, M. H. & Lundholm, R. J. (2000). Voluntary disclosure and equity offerings: Reducing information asymmetry or hyping the stock? *Contemporary Accounting Research*, 17 (4): 623-662. <https://doi.org/10.1506/9N45-F0JX-AXVW-LBWJ>.
- ✓ Law, K. K., & Mills, L. F. (2015). Taxes and financial constraints: Evidence from linguistic cues. *Journal of Accounting Research*, 53(4), 777-819.
- ✓ Loughran, T., & McDonald, B. (2011). When is a liability not a liability? Textual analysis, dictionaries, and 10- Ks. *The Journal of finance*, 66(1), 35-65.
- ✓ Lopatta, K., Gloger, M. A. & Jaeschke, R. (2017). Can language predict bankruptcy? The explanatory power of tone in 10-K filings. *Accounting Perspectives*, 16 (4): 315-343. <https://doi.org/10.1111/1911-3838.12150>.
- ✓ Loughran, T., & McDonald, B. (2011). When is a liability not a liability? Textual analysis, dictionaries, and 10- Ks. *The Journal of finance*, 66(1), 35-65.
- ✓ Malaquias RF, Júnior DMB. (2021). Positive Tone in Management Reports and Volatility of Stock Returns. *Global Business Review*. Doi: 10.1177/09721509211054279.
- ✓ Ning, J., Zhang, L., Mi, B., Yang, J. H., & Tao, L. (2024). Signalling through managerial tone and analysts' response. In *Accounting Forum* (pp. 1-27). Routledge.
- ✓ Song, Y., Jiang, M., Li, S., & Zhao, S. (2024). Class- imbalanced financial distress prediction with machine learning: Incorporating financial, management, textual, and social responsibility features into index system. *Journal of Forecasting*, 43(3), 593-614.
- ✓ Tran, L.t.h., Tu, T.t.k., Nguyen, T.t.h., Nguyen, H.t.l., & VO, x.v. (2023). Annual report narrative disclosures, information asymmetry and future firm performance: evidence from Vietnam. *International Journal of Emerging Markets*, 18(2), 351-375.
- ✓ Yang, R., Yu, Y., Liu, M. & Wu, K. (2018). Corporate risk disclosure and audit fee: A text mining approach. *European Accounting Review*, 27 (3): 583-594.